

پدیده ازدواج سفید در میزگرد نسل فردا بررسی شد

# دختران ما در معرض خطرند!

«ازدواج سفید» یا «هم‌باشی»، زندگی زناشویی بدون ازدواج رسمی یا زندگی مشترک بدون ازدواج است. هر چند در دنیا پدیده جدیدی نیست، اما در ایران مسئله ای جدید و یک شوک فرهنگی به حساب می آید. در جمهوری اسلامی ایران، تنها از دواج هایی به رسمیت شناخته می شوند که در دفتر ازدواج ثبت شوند. در این نوع ازدواج ها، تکالیف دو طرف مشخص است و هر اتفاقی که پس از ازدواج

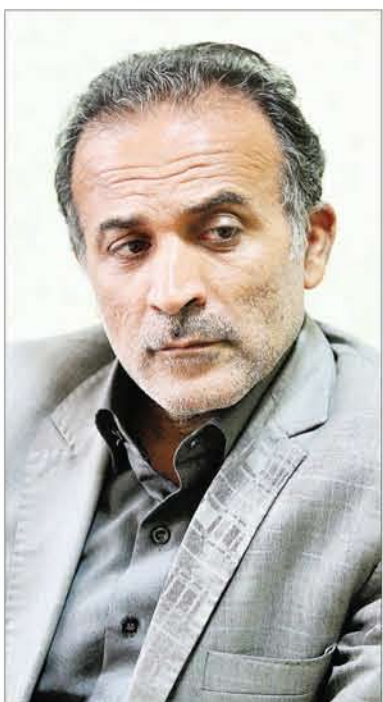
بافتد، قانون، مسئولیت دو طرف را مشخص کرده است. همچنین در صورت بروز اختلاف یا موارد جرم، با مراجعه به قانون می توان مسئله را پیگیری و حل کرد. اما در قانون جمهوری اسلامی به تبع دین اسلام، ازدواج سفید به رسمیت شناخته نشده و جرم محسوب می شود. طبیعتاً وقتی قانون، اصل این ازدواج را جرم می داند هیچ گاه مسئولیت پیگیری تبعات آن را بر عهده نمی گیرد و با تبعات آن نیز همانند جرم برخورد می کند. نسل فردا

در میزگردی با حضور دکتر احمد پدram روانشناس، دکتر حسین علیان استاد دانشگاه، دکتر رضا تیموری فعال در زمینه جوانان، الهام آزادمنش مدرس دانشگاه و فعال در حوزه مسایل اجتماعی، دکتر اعظم صالحی مشاوره ازدواج و خانواده و نگار احمدی روزنامه نگار و کارشناس ارشد جامعه شناسی در ارتباط با پدیده «ازدواج سفید» میزگردی را برگزار کرده است. متن آن را از نظر می گذرانید.

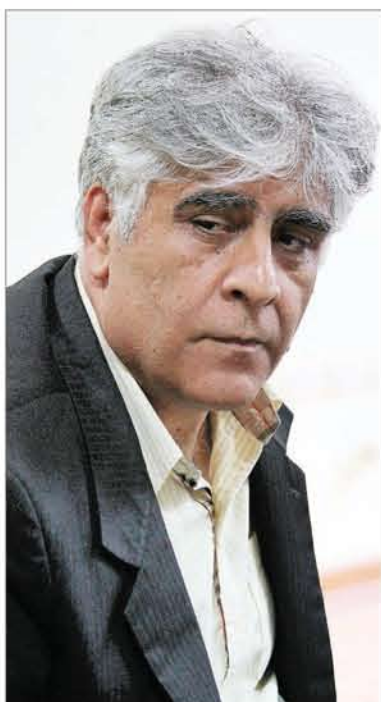
نگار احمدی



نگار احمدی | کارشناس ارشد جامعه شناسی



دکتر رضا تیموری | کارشناس در امور جوانان



دکتر احمد پدram | روانشناس



دکتر حسین علیان | مدرس دانشگاه



الهام آزادمنش | مدرس دانشگاه



دکتر اعظم صالحی | مشاوره ازدواج و خانواده



## نگار احمدی:

در جلسات این میزگرد قرار است پدیده ازدواج سفید با رویکردی جامعه شناسانه و روانکاوی مورد بررسی قرار بگیرد. در چنین رویکردهایی، بناسبت به ریشه های پیدایش این پدیده و نیز دلایل شیوع آن اشاره داشته باشیم؛ چرا که عدم درک درست از ریشه های پیدایش چنین معضلاتی نمی تواند به کارشناسان کمک کند تا برای جلوگیری از شیوع آن، چاره ای بیندیشند. برخی از پدیده های اجتماعی هستند که پس از پیدایش، منقرض می شوند. باید توجه داشت با توجه به تجربه غربی ها در زمینه ازدواج سفید، این پدیده در صورت عدم برنامه ریزی فرهنگی درست، جزء پدیده هایی خواهد بود که منقرض نمی شود و متأسفانه مشکلات و آسیب های بعدی را ایجاد خواهد کرد.



## دکتر پدram:

در ابتدا می خواهم این موضوع را چنین آغاز کنم. طبیعتاً من به عنوان یک روانشناس از چشم انداز روانکاوانه می توانم به این پدیده نگاه کنم. بنابراین در نگرش روانکاوانه، آنچه که اهمیت دارد، بررسی چگونگی روند رشد روانی-جنسی افرادی است که به پدیده ازدواج سفید گرایش پیدا کرده اند و اینکه در دوران کودکی این افراد، چه باید و نبایدهایی را آموخته اند. کسی که به عنوان یک انسان شهرنشین و متمددن به قاعدی در این زمینه پایبند نیست، کاملاً مشخص است که بسیاری از مرزبندی ها را از دوران کودکی به درستی نیاموخته است. حتی اگر بخواهیم از نگاه دینی به این موضوع نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که مرزبندی میان نفس مطمئنه، نفس اماره و نفس لوامه به درستی صورت نگرفته است و این فرد به اصطلاح در خویشتن داری مشکل داشته که هیچ یک از قواعد جامعه، قوانین خانواده و قواعد شرع را نپذیرفته است. اگر به لحاظ تاریخی خاستگاه این پدیده را بررسی کنیم، خواهیم دید در غرب مسئله ای به نام «حقوق بشر» در معنای سکولار

کاری جدی تر انجام دهیم. ما باید رابطه پدران و دختران را با یکدیگر ساماندهی مجدد کنیم تا بتوانیم پیشاپیش و از سه سالگی، از ورود چنین مردانی به زندگی دخترانمان جلوگیری کنیم. دختران ما در معرض خطرند چون اکثراً، پیشنهاددهندگان به این سبک زندگی، مردان هستند.

این پاسخ، یک پاسخ غیر منطقی به یک سری قواعد اجتماعی غلط است و راه حل درستی نیست. اعتراض کردن هم باید جرات مندانه و عقلانی باشد و نه بر خاشگروانه و منفعلانه. در برابر مسایل و مشکلات چند نوع برخورد وجود دارد



## نگار احمدی:

شما فرمودید که بازندگان نهایی این بازی دوسر باخت، زنان هستند. قطعاً همین طور است. این روابط برای زنان تا زمانی دوام خواهد داشت که زن از زیبایی ظاهری و جوانی برخوردار باشد. یک زن تا تمام عمر نخواهد توانست این عناصر را برای دوام رابطه حفظ کند. بنابراین زنی که زیر بار چنین سبک زندگی ای رفته است، از دیدگاه چنین مردانی که در سوی دیگر این رابطه قرار دارند، دارای تاریخ انقضاست که از ۵۰ سال به بعد دیگر طرفداری ندارد. بنابراین مجبور است این بخش از عمر خود را بدون اینکه سرمایه گذاری عمر و جوانی اش حاصلی تحت عنوان خانواده داشته باشد، تنها زندگی کند. این زن بنا بر محدودیت های قانونی و عرفی جامعه و به دلیل اینکه

فرزند حاصل از ازدواج سفید را به رسمیت نمی شناسند، مجبور است در اکثر موارد احساس مادری را تجربه نکند. ضمن اینکه زنان درگیر در چنین رابطه بی تعهدی، مدام در اضطراب این موضوع به سر می برند که روزی این رابطه به اتمام خواهد رسید؛ بنابراین مجبورند خلاء عاطفی پس از رهایی را با جایگزینی روابط دیگر پر کنند که معمولاً تکرار تلخ روابط پیشین است. این مسئله برای زن ایرانی که هنوز دست نخوردگی و باکرگی او برای جامعه اش بسیار اهمیت دارد، فشار روانی زیادی را ایجاد می کند و حتی تکرار تجربه چنین روابطی، ممکن است به تدریج از او زن خیابانی بسازد که بزهداری های اجتماعی و مشکلات روانی بعدی اش نظیر افسردگی، روان پریشی، اضطراب و حتی خودکشی غیر قابل انکار نیست. شاید بتوان گفت که ازدواج سفید پاسخی اعتراضی است به یک سری قواعد اجتماعی غلط که در جامعه جا افتاده است.



## دکتر پدram:

این پاسخ، یک پاسخ غیر منطقی به یک سری قواعد اجتماعی غلط است و راه حل درستی نیست. اعتراض کردن هم باید جرات مندانه و عقلانی باشد و نه بر خاشگروانه و منفعلانه. در برابر مسایل و مشکلات چند نوع برخورد وجود دارد. اول برخورد جرات مندانه به این معنا که فرد در برابر یک مشکل یا یک شخص تلاش دارد به حل مسئله بپردازد؛ منتهی با حفظ حقوق خود و دیگران و با رعایت قوانین حاکم. دوم برخورد پر خاشگروانه است که به این معناست که فرد در برخورد با مسایل تنها به خود می اندیشد. قواعد را نادیده می گیرد و تنها پیشروی و جلو رفتن برای او اهمیت دارد. برخورد منفعلانه نیز به این معناست که فرد زیر بار مشکلات می رود و مقابله درستی برای حل مسایلش نمی کند. در مورد ازدواج سفید برخورد یک بر خورد پر خاشگروانه است و نه جرات مندانه. شما وقتی می گوید ازدواج سفید پاسخی است به شرایط و قواعد غلط اجتماعی؛ بهتر است بگویید پاسخ غلطی است به قواعد غلط اجتماعی. هستند کسانی که درک درستی از مسایل خود ندارند؛ بنابراین در حل مسایل خود ناتوانند.

پدران و مادری که برای گرفتن معافیت خدمت سربازی فرزندشان، طلاق صوری می گیرند، اما با هم زندگی می کنند؛ یعنی توانایی درست و جرات مندانه برای مقابله با مسایلشان را پیدا نکرده اند. در چنین خانواده ای با چنین پدر و مادری، کم کم فرزندان قانون شکنی را هم فرا خواهند گرفت. ازدواج سفید هم اوج قانون شکنی و بی هنجاری است.



## دکتر علیان:

من فکر می کنم در برخورد با این پدیده، نباید از شیوه های سلبی استفاده کرد. این روش کاملاً اشتباه است که افرادی را که درگیر ازدواج سفید شده اند را جزء بیماران روانی و کسانی طبقه بندی کنیم که دچار اختلالات روانی هستند. اگر قرار است میزگرد ما نتیجه بخش باشد، باید با زدن چنین برچسب هایی به این گونه افراد، سبب گارد گرفتن آنان در برابر عقایدمان نشویم. در این مورد باید بسیار علمی صحبت کرد. اگر موضوع ما در برابر این پدیده صرفاً مخالفت و کوبیدن صد در صدی افراد باشد و افرادی که به این سبک زندگی می کنند را احق، بیمار و ... بنامیم، پیامدش این است که کسی پای صحبت های ما نخواهد نشست تا راهکارهایمان را بشنود. در اینکه این افراد عملشان تقبیح شده است، شکی نیست. منتهی ما بایست به این موضوع بپردازیم که چه عواملی سبب شده که این افراد به ازدواج سفید روی بیاورند؟ بحث اصلی و تأثیرگذار در این بین، بحث اجتماع است «ریشه کن هرگز نگردد علتی/گرچه با معلول جنگد ملتی» ما باید با علت ها بجنگیم و نه معلول! یکی از عوامل ساختاری موثر در پیداری ازدواج سفید، مشکلات اقتصادی است که بر سر راه ازدواج جوانان وجود دارد. وقتی در کشورمان سه هزار زندانی مهریه داریم، وقتی پزشک و استاد دانشگاه ما به خاطر مهریه در زندان به سر می برد، این مسئله خودش یک هراس بزرگ نسبت به ازدواج های رسمی و قانونی ایجاد می کند. این در حالی است که تعریف دینی ما از مهریه، یک هدیه است. هدیه باید ویژگی های خاص خود را داشته باشد و تحت شرایط عقلانی به فرد دیگر داده شود. شرایطی مانند وسع و توان



ماز پتانسیل قابل توجه تعالیم دینی غافل شده ایم. اصلاً تعریفمان از انسان دینی تا حدود زیادی تغییر کرده و بی کار کرده شده است. صرفاً اطلاعات دینی خود را بالا برده ایم. این در حالی است که بین گفتار دینی با رفتار دینی، باید تفاوت قائل شد. خانواده ای که می گوید روی هوش معنوی و عاطفی فرزندش کار کرده، اما نتیجه نگرفته؛ شاید این تعالیم را طوری آرایه داده که بر جان فرزندش ننشسته است



"هر که نقش خویشتن بیند در آب" ما باید فرزندانمان را طوری تربیت کنیم که توانایی تحمل چنین شرایطی را داشته باشند. انسان متمدن، انسانی است که قواعد تدوین شده در اجتماع را رعایت کند. روی صحبت من با جوانان تحصیل کرده و دانشجویی است که از دواج سفید را برگزیده اند

در ارتباط با نسل دهه هفتادی ها، باید گفت بی انگیزگی و مسامحه کاری در میانشان موج می زند. تا اندازه ای که حتی زمانی که آینده پیامدهای اعمالشان را پیش چشمشان ترسیم می کنیم، چندان برایشان اهمیتی ندارد. سال هاست تصویر ریه سالم و ویران شده را روی بکس سیگار درج کرده اند. تا چه اندازه ترسیم آینده توانسته در این ارتباط فرد را از سیگار کشیدن منصرف کند؟ گویی دیگر ارزشی برای آنان وجود ندارد که ترسیم آینده آنان را از انجام برخی اعمال باز دارد. نوجوان و جوان امروز دلش می خواهد در لحظه زندگی کند و این اعتقاد به لحظات و لذات موقتی است که او را به سمت تجربه هر چیزی سوق می دهد که چندان مهم نیست آینده و ترسیم آن به چه صورت باشد.



#### دکتر پدرام:

اگر این الگو برداری غلط از غربی ها در ما اتفاق افتاده است، دلپیش این بوده که از همان کودکی در مدارس عشق، سسکس و دوستی را به صورت درست به ما یاد ندهد. بنابراین ما تا توانایی هایی وارد جامعه شده ایم که پر از ناتوانی بوده است. اینجاست که فضا برای تاثیر گذاری جمعی وی و ماهواره ها مهیا می شود. بر خورد با پدر با یاد نشان از نوعی افسردگی در میان جوانان دارد. جوانی که آینده اش و ترسیم آن روی او تأثیری نگذارد و به پیامدهای کارهایش نیندیشد، دچار افسردگی است. سعی می کند مشکلاتش را با گرایش افراطی به سسکس و بی هنجاری به طور موقت فراموش کند.



#### دکتر علیان:

ماز پتانسیل قابل توجه تعالیم دینی غافل شده ایم. اصلاً تعریفمان از انسان دینی تا حدود زیادی تغییر کرده و بی کار کرده شده است. صرفاً اطلاعات دینی خود را بالا برده ایم. این در حالی است که بین گفتار دینی با رفتار دینی، باید تفاوت قائل شد. خانواده ای که می گوید روی هوش معنوی و عاطفی فرزندش کار کرده، اما نتیجه نگرفته؛ شاید این تعالیم را طوری آرایه داده که بر جان فرزندش ننشسته است. انسان دینی با انسانی که اطلاعات دینی دارد، متفاوت است. نباید این دو را یکی تصور کرد. اسلام، دینی اخلاقی است؛ اصلاً برای انسان اخلاقیات آمده است. ما تا چه اندازه از این کمال مهم برای اخلاقی کردن جوانانمان به درستی بهره برده ایم؟



#### دکتر پدرام:

من فکر می کنم امروز شرایط به نحوی است که اگر قرار است از کانال دین مداری انسان دینی و اخلاقی در میان جوانانمان بسازیم، باید به روز تر عمل کنیم و از روحانیون بخواهیم سیستم های کارآمدتر و جذاب تری را برای این امر طراحی کنند.



#### نگار احمدی:

آغاز بسیاری از هم باشی ها، از زمانی آغاز می شود که فرد به عنوان دانشجوی یا برای کار به شهر دیگر مهاجرت می کند و عملاً حمایت خانواده را تا حدود زیادی از دست می دهد. دانشگاه های ما ساختاری بوروکراتیک و رسمی دارند و دانشجویان پس از اتمام کلاس های درس را می کنند. این اتفاق خصوصاً برای دختران که عاطفی تر هستند، فشار روانی ایجاد می کند که ممکن است برای تأمین خلا های روانی و عاطفی خود بعضاً پیشینهاد هم خانگی است؛ مرد را بیادیرند. دانشگاه ها می توانند برای این گونه افشار برنامه ریزی های نامحسوسی داشته باشند تا فرد این میزان فشار روانی را حس نکند.

می شود و در مقاطع دیگر ادامه می یابد، به افراد، خودخواهی را یاد می دهد. اینکه تنها به خودت فکر کن و به دیگری چیزی یاد نده تا خودت شاگرد اول به حساب بیایی. از همین جاست که انحراف آغاز می شود از همین جاست که هوش عاطفی و معنوی فرد، خدشه بر می دارد. ما باید به ابعاد مختلف رشد فکر کنیم. رشد جسمی، رشد ذهنی، رشد عاطفی، رشد اجتماعی. کسانی که به سمت ازدواج سفید می روند، در این ابعاد یا برخی از آنها رشد کافی نداشته اند. اینکه بیاییم صرفاً از بعد شرعی این پدیده را محکوم کنیم و بگوییم "والسفا" دردی را درمان نمی کند. باید دید چرا آموزش و پرورش ما تنها یک درخت تک شاخ دیلاق پرورش می دهد که از تمامی ابعاد رشد نکرده است؟! ازدواج سفید بین افشار مختلف از طبقات اجتماعی و اقتصادی مختلف وجود دارد. ما مهندسان و دکترهایی داریم که به این سبک زندگی می کنند.



#### دکتر صالحی:

ازدواج سفید، پاسخ غلط به یک میل طبیعی است. بنابراین من پدیده ازدواج سفید را یک تومور می دانم. به این دلیل چنین نامی بر آن نهاده ام که تومور از سلول های طبیعی بدن تشکیل شده است؛ منتهی به صورت بی رویه تشکیل این سلول ها پیش رفته است. وقتی پاسخ طبیعی به غریز جنسی و عاطفی سیر سریع و بی قاعده ای طی کند، همان توموری تشکیل می شود به اسم ازدواج سفید که پیامدهایی برای سلامت فرد و جامعه در پی خواهد داشت. اینکه ما بحث کنیم بر سر سفید یا سیاه بودن این نوع ازدواج، اینکه بخواهیم انکارش کنیم و بگوییم در جامعه ما وجود ندارد؛ بخواهیم بگوییم عقب ماندگی و بدویت فرهنگی یا غرب زدگی است؛ هیچ کدام از این توصیفات فایده ای نخواهد داشت. تنها در صورتی خواهیم توانست راهکاری برای آن آرایه دهیم که در وهله نخست بپذیریم این معضل در جامعه وجود دارد و مانعی است سر راه ازدواج دایمی جوانان. می توان این معضل را با شناخت بیشتر اصلاح کرد می توان از پتانسیل های دینی و فرهنگی مان برای اصلاح هر چه بیشتر آن بهره برد؛ چرا که گاهی برخی مسایل را نمی توان برگرداند، تنها باید کاری کرد که آسیب ها و هزینه هایی که جامعه و افراد برای آن پرداخت می کنند، کاهش بیاید.



#### دکتر پدرام:

هر معضلی که چند کارشناس گرد هم می آیند تاراج به آن صحبت کنند، به این معناست که اتفاق افتادن آن معضل را بپذیرفته اند. حالا به عنوان یک سلول یا یک تومور یا حتی به عنوان یک کودک! بودن ما هم در این جمع و برگزاری این میز گرد، نشان از این دارد که احساس خطر کرده ایم.



#### دکتر علیان:

ضریب آینده نگری یا همان هوش عاطفی در جوانان ما پایین آمده است. اگر ما آینده افرادی را که به سمت چنین زندگی ای گرایش دارند، پیش چشمشان ترسیم کنیم، شاید کمتر به این معضل گرایش پیدا کنند. تصویرنگاری از آینده، مسئله مهمی است. در یکی از بیمارستان ها تصویر آینده فردی که مثلاً فلج بود را در حالی نشان می داد که در حال راه رفتن است؛ این روش در بهبود جسمی چنین فردی بسیار تاثیر گذار بود. بیاییم تصویر منفی ازدواج سفید را پیش روی افراد بگذاریم. به آنها نشان دهیم که در اثر چنین ازدواجی چه میزان آمار سقط جنین بالا می رود، جامعه دچار هرج و مرج و بی قانونی خواهد شد و حتی به سمت نابودی پیش خواهد رفت.



#### الهام آزاد منش:

ولی مشکلی برای این تصویر نگاری از آینده وجود دارد و آن این است که

مالی فرد و اینکه باید فرد بتواند در همان لحظه این هدیه را در قالب مهریه به همسر خود اعطا کند. اینکه ما ۵۰۰ سکه طلا را مهریه همسر خود کنیم و به او بگوییم در آینده این هدیه را با کمک و کیل از من بگیر! اصلاً عقلانی نیست. این هدیه، مهریه نیست، بلکه ظلمیه است! مسئله موثر دیگر در این معضل، بحث های دینی است که رعایت نمی شود. ما ادعا می کنیم که جامعه ای دینی هستیم، اما قواعد دینی در جامعه ما به خوبی اجرا نمی شود. تعهد، یک امر درونی است که باید در فرد ایجاد شود. تعهد را نمی توان روی برده آورد و کتبی اش کرد. وقتی فرد در چنین جامعه ای می داند هزینه تعهد دادنش، به قیمت سال ها زندان رفتن برای مهریه تمام می شود، به سمت روابط آسان تر و بی قانون تری سوق داده خواهد شد که هزینه این چنینی برای او نداشته باشد. اینکه صرفاً به چنین افرادی بگوییم شما دچار اختلال روانی هستید و احمقید و بحث های ساختاری جامعه از قبیل اقتصاد و فرهنگ را نادیده بگیرید، ما را به جایی نمی رساند. در حال حاضر چند دهه سازمان فرهنگی وجود دارند، اما خروجی فعالیت های این سازمان ها را ما نمی بینیم. در قانون انسانی و اسلامی، حق ندارد کسی را به دلیل ناتوانی مالی به زندان بیندازند؛ امری که در کشور ما رعایت نمی شود و از زندان ها مراکز برای دامادها و مردانی ساخته که توان پرداخت مهریه ندارند. سیستم قضایی و قضایی ما باید برای این معضل، چاره ای بیندیشد تا جوانان هراس از زیر بار ازدواج های رسمی رفتن را نداشته باشند. اگر چه این پدیده چند عاملی و چند علتی است، اما یکی از دلایل آن، مسایل اقتصادی است. باید قبول کنیم که جوان امروز از تشکیل زندگی مشترک می ترسد. از شغلی که ندارد و از مهریه ای که باید پرداخت کند، هراس دارد.



#### الهام آزاد منش:

این درست است که باید پدیده ازدواج سفید در این میز گرد در جامعه ایرانی و اسلامی ما مورد بحث قرار گیرد، اما من می خواهم بحث خود را با یک سوال آغاز کنم. آیا این پدیده یک الگو برداری از جوامع غربی هست یا نیست؟ باید گفت این پدیده، الگو برداری صد در صد از جوامع غربی است که در سال ۱۹۷۹ به این پدیده "هم باشی" یا "هم بالینی" گفته می شد که برای اولین بار رسانه ای شد. قبل از این اتفاق، این امر در همان غرب نیز یک رسوایی بزرگ نامیده می شد. آمارها نشان می دهد که در سال ۱۹۲۰ تنها چهار درصد از زنان به این سبک زندگی تن داده بودند و این میزان ۲۰ سال بعد به ۱۹ درصد افزایش پیدا کرد و در چهل سال گذشته این پدیده به ۴۰۰ درصد در میان جوامع غربی افزایش پیدا کرده است. ریشه یابی این مسئله و دلیل و چرایی آن، امری دشوار است؛ چرا که در غرب مسایل اقتصادی نظیر مهریه، زندانبانی مهریه، نفقه و ... در روابط میان زن و مرد وجود ندارد. بنابراین ساختارهای اقتصادی نمی تواند دلیل موجهی برای شیوع پدیده ازدواج سفید در غرب باشد. شاید یکی از دلایل مهم شیوع این پدیده بحث "امروزی شدن" باشد؛ عصری که خودش را در تمام عرصه ها قرار است نشان بدهد. فرد در گیر چنین رابطه ای بدون اینکه بخواهد بداند دین و فرهنگ جامعه اش از او در چنین روابطی چه می خواهد، تنها به امروزی شدن فکر می کند و برای تحقق این امر به دنبال تجربه چنین مسایلی می رود. شاید واقعا فرد مشکلات اقتصادی هم نداشته باشد و تنها به امروزی شدن بیندیشد.



**نگار احمدی:** بله این سبک زندگی بیشتر در میان اقشار مرفه و متوسط تحصیل کرده شیوع یافته است. طبقه ای که در اکثر موارد مشکلات اقتصادی ندارند. سوالات خانم آزاد منش، نشان می دهد که ما هنوز در بحث پژوهش هایمان در زمینه ازدواج سفید با مشکلاتی روبرو هستیم. شناسایی افرادی که به سبک ازدواج سفید زندگی می کنند، کار دشواری است؛ چرا که آنها بنا به عدم پذیرش عرف، شرع و قانون سعی می کنند پنهان کاری کنند. بنابراین این موضوع که پدیده ازدواج سفید در کشورمان واقعا چه دلایلی دارد، در حلقه کارهای پژوهشی قدری دشوار تر خواهد شد.



#### دکتر پدرام:

در مورد این موضوع که کار پژوهشی انجام نگرفته است، نمی توان گفت در این زمینه صفر بوده ایم. من و سایر همکاران در حوزه مشاوره و روانشناسی فعالیت می کنیم و در میان مراجعینمان با افرادی روبرو هستیم که به این سبک زندگی می کنند. صحبت های عمیقی که روانشناس با این گونه افراد انجام می دهد، در قالب یک تحقیق کیفی می تواند ما را با ابعاد مختلف این پدیده آشنا کند.



#### دکتر علیان:

اعتقاد من بر این است که اگر چه اولین بار این سبک در غرب پدیدار شد، اما عوامل گرایش افراد در غرب نسبت به پدیده ازدواج سفید با فاکتورهای موثر در ایران می تواند بسیار متفاوت باشد. ما باید نگاهی به نهادهای تاثیر گذار واقع در جامعه خود داشته باشیم.



#### نگار احمدی:

مهم ترین نهادهایی که به این موضوع ارتباط می یابند، شامل نهاد اقتصاد، خانواده و مذهب هستند. بنابراین باید به بررسی عملکرد این نهادها و ضعف هایشان پرداخت تا به نقطه روشنی در ارتباط با چرایی پیدایش این پدیده برسیم. بر این ضعف در این گونه نهادها به علاوه ضعف های فردی و شخصیتی، ازدواج سفید را پدید آورده است.



#### دکتر پدرام:

سوی تمام نهادها که نامشان را برده ایم، به نظرم باید گفت اول آموزش و پرورش، دوم آموزش و پرورش و سوم آموزش و پرورش. آموزش و پرورش که صرفاً به لاشاگرد اول بودن دانش آموزان توجه نشان می دهد. هوش عاطفی، هوش معنوی در چنین فضایی به دانش آموزان یاد داده نمی شود. چند روز گذشته من مراجعه کننده ای داشتم. مادری با اضطراب به من می گفت: دخترم باید نهج البلاغه، قرآن و حافظ را حفظ کند تا انسان موفقی باشد. در مهد کودک های ما به جای اینکه آموزش قرآن تبدیل به آرامش یک کودک ۵ ساله شود، تبدیل شده است به عاملی برای اضطراب او! چرا که به او گفته می شود قرآن را باید حفظ کند. وقتی کودک ۵ ساله نتواند قرآن حفظ کند، از گرفتن جایزه محروم می شود دقیقاً از همین جا انحراف آغاز می شود. به جای اینکه هوش معنوی کودک را رشد دهیم، موفقیت را به تدریج به معنای پابری کردن دیگران نهادن و بالا رفتن به او یاد می دهیم. همین جور رقابت جوانانه ای که از مهد کودک های ما شروع

